

نادر افتخار زاده^۱، امیرانو کریمی فیروزکوهی^{۱*}، عبدالحسین فرزاد^۲

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، مجتمع دانشگاهی علوم انسانی ولی عصر (عج)، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

سال شانزدهم، شماره یازدهم، بهمن ۱۴۰۲، شماره پی در پی ۹۳، صص ۱-۲۰

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.16.7168

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: حسنعلی میرزا شجاع السلطنه با نام شعری شکسته، ششمین فرزند فتحعلیشاه و یکی از شاهزادگان غزلبردار و دانش‌پژوه عصر قاجار بود. او از شاعران دوره دوم نهضت بازگشت و رستاخیز ادبی است که در زنده نگه داشتن یاد و خاطره شاعران قدیم کوشیده است. تشبیه از پایه‌های علم بیان و از مهمترین وجه تمایز سخن ادبی از غیر آن است. بررسی و تحلیل قلمروهای تشبیه باعث کشف و شناخت هرچه بیشتر آثار غنایی این دوران و میزان خلاقیت و شناخت جهانبینی شاعر میشود. در این جستار ساختار تشبیه، بعنوان عنصر اصلی و سازنده تصویر در شعر شکسته قاجار، و روند آفرینش ادبی و تحولات سبکی دستگاه بلاغی، نقد و بررسی شده است.

روش مطالعه: این جستار براساس روش تحلیلی-توصیفی، نقد و بررسی شده است و مواردی مانند عناصر و مؤلفه‌های مشابه؛ انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه؛ انواع تشبیه براساس ذکر یا حذف ارکان تشبیه؛ انواع تشبیه براساس حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه؛ انواع تشبیه براساس شکل؛ ترکیب تشبیه با صنایع دیگر؛ نوآوری در تشبیه؛ تشبیه در تشبیه و تشبیه نامتعارف مورد بررسی و تحلیل قرار میگیرد.

یافته‌ها: دیوان شکسته شامل پنج قصیده، ۷۵ رباعی و ۳۵۲ غزل میباشد که در مجموع شاعر برای ارائه مضامین از ۷۳۱ تشبیه بهره برده است. او علاقه زیادی به همراه کردن تشبیهات با برخی شگردهای خیال‌انگیز همچون استعاره، مراعات نظیر، تنسیق الصفات، ابهام، تضاد، تکرار، تلمیح، کنایه و استخدام داشته است؛ با این حال پیچیدگی و ابهام چندانی در ساختار تشبیهات دیوانش دیده نمیشود.

نتیجه‌گیری: بیشترین مشبهات تشبیهات شعر شکسته قاجار، انسان و اعضا و متعلقات وی هستند و مشبه‌ها معمولاً از میان پدیده‌های طبیعی و مصنوعات انسانی انتخاب شده‌اند. او در موارد متعددی موفق شده است با وارد کردن عنصری تازه در تشبیهات آشنا و تثبیت‌شده فارسی، بگونه‌ای از آنها آشنایی زدایی کند و موجب تازگی آنها شود؛ هرچند در مجموع تشبیهات او دارای تصاویری ساکن و ایستا هستند.

تاریخ دریافت: ۱۶ اسفند ۱۴۰۱

تاریخ داوری: ۱۷ فروردین ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۵ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۰ خرداد ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

تشبیه، سبک‌شناسی، شکسته قاجار، حسنعلی میرزا، شجاع السلطنه.

* نویسنده مسئول:

ab.karimi@azad.ac.ir

۸۸۸۳۰۸۲۶ (۰۹۸ ۲۱)



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Stylistics of simile in Shekaste Qajar's divan

N. Eftekharzadeh¹, A. Karimi Firouzkohi^{1*}, A.H. Farzad²

1- Department of Persian Language and Literature, Vali Asr University Complex of Humanities, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Research Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 07 March 2023

Reviewed: 06 April 2023

Revised: 25 April 2023

Accepted: 10 June 2023

KEYWORDS

simile, stylistics, Shekaste Qajar, Hasan Ali Mirza, Shoja al-Saltaneh.

*Corresponding Author

✉ ab.karimi@azad.ac.ir

☎ (+98 21) 88830826

ABSTRACT




BACKGROUND AND OBJECTIVES: Hasan Ali Mirza Shuja al-Saltaneh, with the name Shekete, was the sixth son of Fath Ali Shah and one of the princes of Ghazal poets and scholars of the Qajar era. He is one of the poets of the second period of the return and literary revival movement, who tried to keep alive the memory of the old poets. Simile is one of the foundations of the science of expression and one of the most important differences between literary speech and non-literary speech. Examining and analyzing the realms of simile will lead to the discovery and recognition of the lyrical works of this era and the level of creativity and understanding of the poet's worldview. In this essay, the simile structure, as the main element and creator of the image in Shekaste Qajar's poetry, and the process of literary creation and stylistic developments of the rhetorical device, have been reviewed.

METHODOLOGY: This essay has been reviewed based on analytical-descriptive method and things like similar elements and components; Types of similes based on singular, binding or composite validity of the simile parties; types of similes based on mentioning or removing the elements of simile; Types of analogies based on sensory or intellectual aspects of the analogies; Types of similes based on shape; Combining analogy with other industries; innovation in analogy; simile in simile; And the unconventional simile is analyzed.

FINDINGS: Divan Sheskete contains five odes, 75 quatrains and 353 sonnets, in total, the poet has used 731 similes to present themes. He has had a great interest in combining similes with some imaginative techniques such as metaphor, simile, simile, allusion, contrast, repetition, allusion, irony, and employment; However, there is not much complexity and ambiguity in the structure of his metaphors.

CONCLUSION: The most similes in Shekaste Qajar's poetry are human beings and their parts and belongings, and the similes are usually chosen from among natural phenomena and human artefacts. In many cases, he has succeeded in defamiliarizing them by introducing a new element into familiar and well-established Persian similes and making them new; However, in general, his similes have still and static images.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.10.7168](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.10.7168)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 25	 4	 0

مقدمه

با بررسی سبک تشبیه و ساختارهای آن میتوان به شگردها و دیدگاههای شاعرانی چون شکسته قاجار پی برد. شکسته قاجار، شاعر دوره دوم نهضت بازگشت ادبی است که در غزلسرای به سبک عراقی یعنی به تقلید از غزل دلنشین سعدی و غزل رندانه حافظ پرداخته است. شکسته سخن خویش را بیشتر با آرایه تشبیه آراسته است؛ آرایه‌هایی چون تشبیه ابزارهایی هستند که زبان عادی را به زبان عاطفی تبدیل میکنند و آنچه به زبان ادبیت میبخشد، کیفیت کاربردهای بلاغی است که مطالعه و بررسی این آرایه‌ها در مجموعه آثار یک گوینده تا حد زیادی ما را با نگرش و سبک سخن او آشنا میکند.

مهمترین داده‌هایی که در این پژوهش به کار رفته، اشعار دیوان شکسته قاجار است که بصورت توصیفی-تحلیلی، عناصر زبانی و بیانی از دیوان شکسته به تصحیح نگارندگان استخراج شده است. نخست تک‌تک ابیات دارای تشبیه، فیش‌برداری شده و سپس جایگاه تشبیه در دیوان شکسته مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش شماره صفحات براساس همین تصحیح انتقادی تنظیم شده است. در این تحقیق بر آنیم به این سؤالات پاسخ دهیم: تشبیه، بعنوان مهمترین ابزار تصویرگری در شعر شکسته قاجار، چه نقشی در ارائه مضامین دارد؟ آیا شکسته قاجار در تصویرپردازی از طریق تشبیه، خلاقیت و سبک بلاغی خاصی داشته است؟

ضرورت و سابقه پژوهش

مطالعه شعر شکسته قاجار نشان میدهد که در ارائه مضامین و القای احساسات بیشترین بهره را از تشبیه برده است. هدف اصلی این تحقیق جایگاه و تأثیر تشبیه در تصاویر شعر شکسته و همچنین بررسی ساختار برخی ویژگیهای شاعر در کاربرد تشبیه است که بر این اساس قابل ارزیابی و سنجش است. در دهه‌های اخیر پژوهشهای زیادی در تحلیل تشبیه در آثار ادبی بزرگان ادبیات کلاسیک و معاصر صورت گرفته است، اما تا کنون دیوان شکسته قاجار تصحیح انتقادی نشده است و درمورد بررسی تشبیه در دیوان این شاعر ناشناخته یا کمتر شناخته نیز پژوهشی صورت نگرفته است.

بحث و بررسی

شرح احوال شکسته قاجار

شاهزاده حسنعلی میرزای قاجار، ششمین پسر فتحعلی‌شاه، در روز جمعه اول ذی‌الحجه سال ۱۲۰۴ ه.ق در نوا، روستای زیبای مازندران در نزدیکی آمل، متولد شد. او پس از مدتی تعلیم و تربیت در پانزده‌سالگی حاکم تهران گردید و در سال ۱۲۲۴ ه.ق علاوه بر حکومت تهران، سرپرستی بسطام و جاجرم و سرپرستی امور قبایل ترکمان نیز به او واگذار شد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۹۹). حسنعلی میرزا پرتلاش بود و طبعی جنگجو و شجاع داشت که در بیشتر جنگهای ابتدایی حکومت فتحعلیشاه حضور داشت (واتسن، ۱۳۵۴: ۱۷۱) و فتحعلی‌شاه به خاطر این اقدامات به وی لقب «شجاع‌السلطنه» و «اعتماد‌الملکی» داد (آصف، ۱۳۸۲: ۴۸۵). او آنچنان اعتماد فتحعلی‌شاه را به خود جلب کرده بود که وقتی فتحعلی‌شاه به بیلاق چمن سلطانیه میرفت، بخشی از وظایف سلطنت را به حسنعلی میرزا میسپرد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۸۳ و فریزر، ۱۳۶۴: ۲۱۵). او به گفته نویسنده تذکره خاوری «در مرحله شجاعت بغایت بیباک بود و در قبول عامه مشهور به سمک تا سماک» (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۹).

زمانی که فتحعلیشاه درگذشت، نواب حسنعلی میرزا، که در آن هنگام حکمران کرمان بود، برادر خود، حسینعلی میرزا فرمانفرما، حکمران فارس را به سلطنت‌خواهی تشویق و تحریک کرد. حسینعلی میرزا خود را حسینعلی شاه قاجار خواند و سکه به نام خویش زد و در سوم شعبان ۱۲۵۰ در عمارت آئینه، مشهور به کاخ همایون، بر تخت نشست. سرانجام سپاه محمدشاه آنها را شکست داد و هنگامی که برادران محبوس به «کتاره گرد» نزدیک تهران رسیدند، محمدشاه به اصرار قائم مقام، با چند نفر از دژخیمان بدانجا آمدند و شجاع‌السلطنه را از زیور هر دو چشم عاری نمودند و به گفته نویسنده تذکره انجمن خاقان «دو دیده نازنین بر سر کار خود سری نهاد» (انجمن خاقان: ص ۱۹).

در چهاردهم شوال سال ۱۲۶۴ ه.ق برای تهنیت جلوس ناصرالدین شاه در مراسمی که در تبریز صورت گرفت، حسنعلی میرزا به نزد وی رفته جلوس وی را تبریک گفت و وقتی ناصرالدین شاه به تهران آمد، او را به تهران دعوت کرد و اجازه داد تا هر جا که خواهد اقامت نماید. او در تهران ماند تا اینکه در سال ۱۲۷۱ ه.ق در شصت و هفت سالگی درگذشت.

آرایش تشبیه

فن بیان دانشی است که موضوع آن بحث درباره شیوه‌های مختلف ارائه یک معنا و مضمون واحد در زبان است و تشبیه یکی از این شگردهای خیال‌انگیز بیان است. درباره تشبیه، توصیفات و تعاریف متعددی از سوی صاحب‌ظران بیان شده است که بنیان همه آنها، بر ادعای همانندی و شباهت کسی یا چیزی به کسی یا چیزی دیگر است. از این جمله گفته شده: «مقصود از تشبیه اصطلاحی در علم بیان، نشان دادن اشتراک چیزی با چیز دیگر در یک معناست» (عرفان، ۱۳۹۵، ج ۱: ۴۶). تشبیه مهمترین عنصر بیانی در انعکاس تجربیات، باورها و اندیشه‌های سخنور محسوب میشود و بعنوان پرکاربردترین و رایجترین عنصر خیال، همواره مورد توجه سخنوران بوده است؛ چراکه «هسته اصلی و مرکزی اغلب خیالهای شاعرانه است. صورتهای گوناگون خیال و نیز انواع تشبیه، مایه گرفته از همان شباهتی است که نیروی تخیل در میان اشیا کشف میکند و در صور مختلف به بیان درمی‌آورد» (پورنامداریان، ۱۳۹۰: ۲۱۴). تشبیه ادیب را یاری میرساند تا با تصرف در پدیده‌ها و عناصر محسوس و معقول، از زاویه تازه‌ای به آنها نگاه کند و از این طریق بتواند بسیاری از مفاهیم ذهنی و مجرد را برای مخاطب خویش ملموس و قابل‌درک کند. باید گفت تشبیه همواره نقشی اساسی در پرداخت و آفرینش صور خیال داشته است؛ به همین دلیل مطالعه و بررسی آن در مجموعه آثار یک گوینده تا حد زیادی ما را با نگرش و سبک گویندگی سخنور آشنا میکند. در این میان بحث عمده و اساسی در تشبیه، بررسی وجه شبه است. وجه شبه ویژگی یا صفت مشترکی است که ادعای شباهت براساس آن شکل میگیرد و دیدگاه و طرز نگرش هنرمند را نسبت به دنیای اطراف و روابط بین اشیا و پدیده‌ها نشان میدهد. «در نقد شعر بر مبنای وجه شبه است که متوجه نوآوری یا تقلید هنرمند میشویم» (شمیسا، ۱۳۷۲: ۹۸). از همین روی بهترین نوع تشبیه را نیز تشبیهی دانسته‌اند که وجه شبه بیشتری بین دو سوی تشبیه وجود داشته باشد. «بهترین تشبیه آن است که میان دو چیز که اشتراکشان در صفتهای ویژه بیش از انفرادشان باشد، صورت گیرد و آن دو چیز را به مرحله اتحاد و همسانی نزدیک کند» (نقد الشعر: ص ۲۰۰). «خیال شاعرانه با یاری گرفتن از عنصر تصویر، بسیاری از امور ذهنی را دیداری میکند و تصورات خود را از این راه به تماشا میگذارد» (حسن‌لی، ۱۳۸۳: ۲۸۲). تجسم این موضوعات ذهنی و عاطفی توسط شاعر موجب میگردد خواننده بتواند بوسیله جریانات پنهانی، روح شاعر را در برخورد با اشیا و مسائل هستی دریابد که این امر طبعاً در قالب

«تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه» خودنمایی میکند؛ بطوری که «عبدالقاهر جرجانی، آنها را به مانند مرکز و نقطه‌هایی میداند که تصرف در معانی بر گرد آنها می‌گردد» (به نقل از رستگار فسایی، ۱۳۶۲: ۱۴). «تجربه نشان میدهد بلاغت و شگفتی تشبیه ناشی از پیوندی است که گوینده سخنور بین یک چیز معمولی و یک امر عالی و خیالی و موجودی شگفتی و ممتاز به بهترین تعبیر برقرار میکند و ما را از عرصه‌ای پست به پهنه‌ای متعالی میرساند و در این گره‌خوردگی و انتقال، ما را به اوج اخلاق یا علم و بصیرت یا آزادگی و کمال میکشاند و با بال تخیل و اندیشه، وجود ما را پیوسته در معرض نسیم کائنات و اهتزاز معنویت و در عرصه بیکرانگی قرار میدهد» (تجلیل، ۱۳۸۵: ۵۸).

از آنجا که رابطه بین عناصر تشبیه دیداریتر از رابطه عناصر استعاره است، شکسته قاجار با کاربرد تشبیه، بر نفوذ و قدرت کلام می‌فزاید؛ حتی در مواردی که تشبیهات کلیشه‌ای در قالب تشبیه صریح به کار میرود، گزینش کلمات بگونه‌ای است که تناسب خوش‌آهنگی از «باهم‌آیی» آرایه‌ها شکل می‌گیرد. همانگونه که ارسطو میگفت چپستی زیبایی در «تناسب و هماهنگی اجزاست» (به نقل از احمدی، ۱۳۹۹: ۶۹).

از سویی دیگر تصاویر کلیشه‌ای نشان‌دهنده تأثیرپذیری و اطلاعات شاعر و وفاداری او به پیشینه ادبی است. شایان توجه است که تضمین و اقتباس شاعران از یکدیگر سبب شده است برخی تشبیهات، دیگر جنبه ادبی نداشته باشند؛ البته آشنایی با آثار گذشته ناقض نوآوری نیست. «مشبه‌به از جمله عناصری است که نمایانگر خلاقیت در دستگاه بلاغی است؛ زیرا علاوه بر تشبیه، اساس استعاره را نیز تشکیل میدهد و وجه شبه از مشبه‌به اخذ میشود. نو بودن این عنصر به نوآوری در ساختمان تشبیه مینجامد و برعکس تکراری و تقلیدی بودن آن، ساختمان تشبیه را مبتذل و عامیانه می‌سازد» (رضایی جمکرانی، ۱۳۸۴). بررسی تشبیهات شکسته نشان میدهد که وی چندان به دنبال تشبیهات نو و بدیع نبوده و از همان تصاویر شاعران کلاسیک بهره برده است. در ادامه به بررسی و تحلیل تشبیهات در دیوان این شاعر از جهات گوناگون پرداخته میشود و مواردی مانند عناصر و مؤلفه‌های مشبه‌به؛ انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه؛ انواع تشبیه براساس ذکر یا حذف ارکان تشبیه؛ انواع تشبیه براساس حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه؛ انواع تشبیه براساس شکل؛ ترکیب تشبیه با صنایع دیگر؛ نوآوری در تشبیه؛ تشبیه در تشبیه و تشبیه نامتعارف مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

عناصر و مؤلفه‌های «مشبه‌به» در اشعار شکسته قاجار

بر این اساس تشبیهات به نه دسته تقسیم شده‌اند: ۱. پدیده‌های طبیعی، ۲. مصنوعات انسان، ۳. انسان، متعلقات و ملزومات احوال او، ۴. حیوانات و متعلقات آنها، ۵. بنا و متعلقات بنا، ۶. امور عقلی-وهمی، ۷. عناصر دینی و اساطیری، ۸. عناصر فرهنگی و اساطیری، ۹. شخصیت‌های دینی و تاریخی (گلچین، ۱۳۹۰: ۳۴۶). تنوع عناصر به‌کاررفته در مشبه‌به تشبیهات، نشانگر وسعت قلمرو اطلاع و معرفت شاعر در زمینه‌های مختلف است. شکسته قاجار از تمامی این موارد بعنوان مشبه‌به استفاده کرده است، اما پدیده‌های طبیعی و مصنوعات انسان به ترتیب در صدر قرار دارند. امور عقلی و وهمی نیز دارای کمترین بسامد است. در اینجا به مثالهایی برای هر یک از این موارد اشاره میشود:

پدیده‌های طبیعی: خورشید (۷۷)، ماه (۸۰)، نخل (۷۷)، سرو (۸۰)، نسرین، گل (۱۱۶)، خار (۱۱۸)، صنوبر (۱۲۱)، بنفشه، سنبل، نرگس (۱۲۲)، غنچه (۱۷۱)، سپند (۱۷۱)، گلبرگ (۲۶۰)، شراب (۸۰)، گلاب (۱۱۱)، شهد (۱۱۶)، پسته (۱۲۵)، زعفران (۲۶۳)، گرداب (۷۷)، آتش (۷۸)، جیحون (۸۱)، صبح (۱۷۶)، برق (۱۷۷)، لعل (۱۴۲)، یاقوت (۸۰)، زر (۱۷۲)، صدف (۳۰۶)، دریا (۳۶۸).

حیوانات: صعوه، عقاب (۸۱)، ماهی (۱۱۱)، مگس (۱۱۲)، مار (۱۱۹)، آهو (۱۲۷)، عقرب (۱۷۸)، شاهباز (۱۸۱)، گنجشک (۱۸۳)، کبوتر (۱۸۹)، بلبل (۱۹۱)، پروانه (۳۵۱).
عناصر دینی و اساطیری: جنت، حور، طوبی، شراب طهور (۷۸)، زنار (۱۹۲)، چشمه خضر (۱۹۱)، دیو (۲۷۲)، پری (۸۲)، ضحاک (۱۱۹).

شخصیتهای دینی و تاریخی: خضر (۲۴۹)، موسی (۳۵۶).

امور عقلی و وهمی: طالع (۱۴۰)، حُسن (۲۶۸).

مصنوعات انسان: آینه (۷۹)، زنجیر (۱۱۱)، طناب (۱۱۱)، شمع (۱۱۹)، بت فرخاری (۱۲۳)، سوزن (۱۲۳)، شیشه (۱۲۶)، جام (۱۹۱)، تیر (۷۹)، سپر (۱۱۷)، کمان (۱۱۸)، تیغ (۱۲۰)، خنجر (۱۲۱).

بنا: دیستان (۱۲۰)، کعبه (۱۲۴)، کلیسا (۱۲۴)، کوه الوند (۳۶۰).

از سویی دیگر بیشترین مشبه در اشعار شکسته به اندامها و اعضای بدن عاشق و معشوق (چشم، زلف، قامت، دل، مژگان، ابرو، لب) اختصاص دارد؛ چنانکه بخش بزرگی از مشبهات در غزلیات شکسته را نام اعضای بدن تشکیل میدهد و وسیله‌ای برای هنرنمایی و تصویرآفرینی و بیان تجارب شاعر شده است.

انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه

«در تشبیه مفرد، تصور و تصویر یک هیئت یا یک چیز است. ... در تشبیه مقید، تصویر و تصور مفردی است که مقید به قیدی باشد و... مقصود از مرکب یک هیئت انضمامی است» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۷۱).

تشبیه مفرد به مفرد: در این نوع تشبیه، مشبه و مشبه‌به تصویر فقط یک چیز است؛ بدون آنکه صفت یا مضاف‌الیه آن را همراهی کند. اگر مشبه یا مشبه‌به مقید به قیدی باشد، تشبیه را مقید می‌گویند. دریافت تصویر حاصل از این تشبیه به کمک عناصر متعددی که به هم اضافه شده‌اند میسر میشود. این تصاویر گسترش‌یافته‌تر از تصاویری هستند که در دو سوی تشبیه مفرد می‌بینیم. در این تقسیم‌بندی، عمده تشبیهات در دیوان شکسته قاجار از نوع تشبیه مقید است. او به مقید ساختن مشبه بویژه با «صفت» علاقه‌مند است و با این روش مشبه یا مشبه‌های خود را بصورت دقیقتر و با جزئیات بیشتری توصیف میکند.

سیلاب عشق آمد روان، با عقل نتوان ضبط آن
با خار و خس کی میتوان بستن ره سیلاب را
(۶۱)

نیست جز هجر دوست برگ و برت
چیست ای نخل دوستی ثمرت؟
(۹۴)

تشبیه مفرد به مقید

تو صیدبند توانا و من شکار ضعیف
تو سخت میکشی و رشته سخت‌پیوند است
(۹۵)

دوستی چیست؟ نخل بی‌ثمری
که ندارد به غیر غصه بری
(۳۶۱)

تشبیه مفرد به مرکب: تشبیه مرکب هیئتی از چند چیز است، با زبان امروز تابلو و تصویری است ذهنی که چند چیز در به وجود آمدن آن توأمان نقش داشته باشند [...] در تشبیه مرکب جایز نیست که طرفین را تک‌تک بعنوان مشبه و مشبه‌به در نظر بگیریم [...] در تشبیه مرکب وجه شبه هم مرکب است» (شمیسا، ۱۳۸۱: صص ۴۰-۴۱).

درخصوص این تشبیه گفته‌اند: تشبیهی است که میتوان تصویر حاصل از آن را بصورت تابلو نقاشی درآورد. این تشبیه در روند تطور هنری خود از سبک خراسانی عبور کرده و سرانجام به شکلی بسیار فشرده، در شعر سبک عراقی و هندی جلوه کرده است (حکیم‌آذر، ۱۳۹۰: ۳۷).

در ره دوست شکسته گه و بیگاه مرا
چون گدایی که نشیند به ره شاه بین
(۳۲۰)

تشبیه مقید به مفرد

بس که میبارم سرشک از هجر دوست
بحر پهناور به چشم ساحل است
(۱۰۰)

تشبیه مقید به مقید

همی به سرو چمن بینم و به ماه فلک
که این به روی تو، آن با قد تو مانند است
(۹۵)

پیش تو چون شکوه کنم ز آب چشم
کآتش سوزنده بود خوی تو
(۳۲۵)

تشبیه مقید به مرکب

طره طرار او شکسته، ندانی
چیست؟ به کنج رخس دو افعی بیجان
(۳۰۷)

تشبیه مرکب به مرکب

میان زلف سیاه تو روی بزم‌افروز
چنان بود که فروغ سراج در شب داج
(۱۳۹)

چون ماه نو که گردد از زیر ابر پیدا
دیدم به زیر زلفش ابروی چون هلالی
(۳۶۵)

گهی سازی از روی و موی نکویان
قرین صبح نوزد با شام یلدا

تشبیه مرکب به مقید

هر شب ز هجر طلعت چون آفتاب تو
اشکم به رخ چو عقد ثریاست متصل
(۲۳۹)

جدول بسامدی انواع تشبیه به اعتبار مفرد، مقید یا مرکب بودن طرفین تشبیه

مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد	مفرد
۷۳۱	۶۶	۸	۴	۹	۷۹	۱۵۳	۳	۵۸	۳۵۱	بسامد	
۱۰۰	۹/۰۲	۱/۰۹	۰/۵۴	۱/۲۳	۱۰/۸۰	۲۰/۹۳	۰/۴۱	۷/۹۳	۴۸/۰۱	درصد	

انواع تشبیه براساس ذکر یا حذف ارکان تشبیه (فشرده‌گی یا گسترده‌گی ساختار آن)

در این تقسیم‌بندی کوتاهترین شکل و ساختار تشبیه، یعنی اضافه تشبیهی را «تشبیه فشرده» و هر تشبیه دیگری که بیرون از محدوده این ساختار قرار گیرد، «تشبیه گسترده» نامیده‌ایم. در این جستار، تشبیه بلیغ و تشبیه مجمل جزو تشبیهات فشرده و تشبیه مفصل و مطلق جزو تشبیهات گسترده در نظر گرفته شده‌اند. تشبیه بلیغ (اضافی - اسنادی)

تا دُر اشک به دامن نکنم دیده از سوی تو روشن نکنم
(۲۸۵)

و نیز: سیل اشک (۷۲)، گرداب غم (۷۷)، دبستان نکویی (۱۲۰)، شیشه طاق (۱۲۶)، آتش شوق (۱۸۹)، تیر ملامت (۲۶۷).

بسامد تشبیهات بلیغ اسنادی در دیوان این شاعر بسیار اندک است:

به باغت بلبل دیر آشیانم روا نبود که راند باغبانم
(۲۸۳)

تشبیه مفصل: تشبیهی است که وجه شبه در آن ذکر میگردد و شاعر بنا به ابهام و تازگی تشبیه بر آن است که وجه شبه را در آن ذکر کند، که این امر مشارکت مخاطب در متن را کاهش میدهد.

تا تو ای ماه تمام از نظرم دور شدی همچو خورشید، تنم در تب و تاب آمده است
(۱۰۶)

بی حضور تو در جهان فراخ عیش من گشته چون دهان تو، تنگ
(۲۳۴)

تشبیه مجمل: در این نوع تشبیه ذهن مخاطب برای کشف وجه شبه به تلاش و چالش کشیده میشود و از تشبیه مفصل هنریتر و خیال‌انگیزتر است.

تشبیه مؤکد: به تشبیهی که ادات در آن ذکر نشده باشد در اصطلاح علم بیان «تشبیه مؤکد» گویند.

کلبه ما دکه عطار گشت بس که معطر بود از بوی تو
(۳۲۵)

جدول بسامدی انواع تشبیه به اعتبار ارکان در دیوان شکسته قاجار

نوع	بلیغ اضافی	بلیغ اسنادی	مرسل مفصل	مرسل مجمل	مؤکد	جمع
بسامد	۲۴۳	۱۹۱	۱۶۸	۸۳	۴۶	۷۳۱
درصد	۳۳/۲۴	۲۶/۱۲	۲۲/۹۸	۱۱/۳۵	۶/۲۹	۱۰۰

تشبیه براساس حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه

مشبه و مشبه‌به هر دو حسی: در این نوع تشبیه هر دو طرف تشبیه حسی بوده و قابل درک و دریافت هستند. این نوع تشبیه که «لازمه ایجاد آن فعالیت ذهنی نویسنده برای برقراری ارتباط میان دو شیء ظاهراً بی‌ارتباط است، دارای ارزش هنری است و دلالت بر قدرت تخیل نویسنده در حوزه تصویرآفرینی دارد» (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۸۹).

من نکنم ناله چو نی، گر کنی بند به بندم همه از هم جدا
(۷۹)

شکسته چو انجم فروبارد اشک به هر جا بتان انجمن کرده‌اند
(۱۷۱)

مشبه حسی و مشبه‌به عقلی: در نظر برخی بلاغیون «از نظر تئوری این نوع تشبیه نباید وجود داشته باشد» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۷۸)؛ زیرا همواره امر عقلی نسبت به حسی، اخفی است؛ بنابراین در اینگونه تشبیهات، اغلب وجه‌شبه ذکر می‌گردد و در غیر این صورت مشبه‌به عقلی، منظور و مقصود شاعر را روشنتر از مشبه که حسی است، بیان می‌دارد. «هدف شاعر از مانند کردن یک امر حسی به امری عقلی نوعی ارتقا بخشیدن به شأن و مرتبه آن امر محسوس است؛ زیرا در خصوصیت موردنظر او، آن محسوس با آن معقول رقابت میکند و گاه نیز ممکن است که مشبه‌به عقلی برای مشبه حسی نوعی اغراق در بیان مقصود را به همراه داشته باشد» (گلچین معانی، ۱۳۶۹: ۳۴۴). صحت این مطلب در دو بیت زیر آشکارا دیده میشود.

در ثنای تو شکسته غزلی کرد انشاء شعر او نیز چو حسن تو جهانگیر افتاد
(۱۴۰)

(او) پهلوی من نشسته، چون طالع خجسته از نارسایی بخت، باز اشتباه دارم
(۲۶۸)

مشبه عقلی و مشبه‌به حسی: شاعر در این نوع تشبیه میکوشد امور ذهنی و انتزاعی را با اشیای مادی و امور محسوس گره زند؛ زیرا «تصویر آنگاه جنبه هنری پیدا میکند که معقولی را با محسوسی پیوند دهد» (کروچه، ۱۳۴۴: ۷۹).

دلَم آن سنگدل شکسته، شکست شیشه طاقتم به سنگ آمد
(۱۶۵)

چنان زدی به لب از مهر، مهر خاموشی که آتشم زدی و بر هوا نشد دودم
(۲۵۹)

جدول بسامدی انواع تشبیه به اعتبار حسی یا عقلی بودن طرفین تشبیه

نوع	حسی به حسی	عقلی به حسی	حسی به عقلی	عقلی به عقلی	جمع
بسامد	۴۷۱	۱۵۸	۸۱	۲۱	۷۳۱
درصد	۶۴/۴۳	۲۱/۶۱	۱۱/۰۸	۲/۸۷	۱۰۰

انواع تشبیه براساس شکل

تشبیه را از نظر شکل ظاهری به انواعی تقسیم میکنند. مقصود از شکل ظاهری تعداد و یا تعدد مشبه و مشبه‌به و ترتیب قرار گرفتن آنها در یک تشبیه و یا آوردن چند تشبیه در کنار هم است. در این تقسیم‌بندی تشبیه‌های پنهان و نیز تشبیه‌هایی که در آنها، مشبه بر مشبه‌به برتری داده میشود، نیز قرار دارند. در ادامه به بررسی هریک از انواع این تشبیهات پرداخته میشود. در گونه‌های تشبیه موارد برجسته و قابل تأمل در دیوان شکسته بیشتر در گونه‌های مضمر، تفضیل، مشروط، ملفوف، و مفروق دیده میشود که به بررسی آنها پرداخته میشود.

تشبیه مضمّر: یکی از زیباترین گونه‌های تشبیه، تشبیه مضمّر است. شاعر گاه با آوردن مشبّه‌به نامحسوس برای مشبّه محسوس، تشبیه را معماگونه و رازآلود می‌سازد و به دنبال حذف شباهت و یکی دانستن مشبّه و مشبّه‌به است. در این تشبیه معمولاً ادات نیز ذکر نمی‌گردد؛ زیرا شاعر «کلام را طوری می‌آورد که گویی خیال تشبیه ندارد و همین امر سبب میشود که ذهن مخاطب بیشتر به جستجو بپردازد و ارتباط را با دقت دنبال کند» (علوی مقدم و اشرف‌زاده، ۱۳۷۶: ۱۱۱). تشبیه مضمّر گاه رنگ ابهام می‌پذیرد و قالب تشبیه تفضیل را به خود می‌گیرد. بعنوان نمونه:

سرو چون دید خرامان و چمانت به چمن
پیش بالای دل‌آرای تو بر خاک نشست
(۱۱۴)

با وجود سخن او که چنین شیرین است
راستی تلخ بود گر شکر از هند آرند
(۱۸۲)

تشبیه تفضیل: در این تشبیه شاعر «نه‌تنها مشبّه را بر مشبّه‌به ترجیح میدهد، که همان خاصیت طبیعی را نیز از آن سلب مینماید و جنبه منفی و حداقل کم‌خاصیت و انفعال بدان نسبت میدهد و رابطه طرفین مبدل به تضاد و تقابل میگردد» (طالبیان، ۱۳۸۴). بنیاد تشبیه تفضیل بر پنهان بودن است؛ زیرا در بیشتر گونه‌های تفضیل ادات و وجه‌شبه دیده نمیشود و این ساختار، به درک و فهم آن از بافت معنایی کلام مینجامد و نیز بر غنای تصویری و ارزش زیبایی‌شناسی آن کمک میکند. تشبیه قد به سرو یا روی به گل از تشبیهات پرکاربرد شعر غنایی است؛ اما شکسته در قالب تشبیهات مضمّر، تفضیلی، مضمّر - تفضیلی بر اغراق می‌فزاید و التذاذ ادبی را چندبرابر میکند؛ از کهنگی آن میکاهد؛ آشنایی‌زدایی میکند و جنبه تکراری بودن تشبیه را کمرنگ می‌سازد. مانند بیت زیر:

میان باغ گر از روی ناز برخیزی
به قامت تو که در پای سرو نشینم
(۲۵۶)

چهرت ز کین گیسو رسوا کند ختن را
رویت ز نافه خط برهم زند ختا را

در اشعار شکسته قاجار، تشبیه تفضیل به گونه‌های زیر دیده میشود:

تشبیه تفضیل به همراه صفت تفضیلی:

زهر تو خوشتر ز شهدم در دهان
نیش تو بهتر ز نوشم در مذاق
(۵۴)

رنگینتر از آن بیان، گهر نه
شیرینتر از آن دهان شکر نیست
(۱۲۴)

تشبیه تفضیل با آوردن کلماتی چون شرمسار، منفعل، طعنه، ریشخند:

از رخت، خورشید رخشان در عرق
وز لب، لعل بدخشان منفعل
(۱۴۲)

بگشایی از به خنده لب نوشخند را
هر کس زند به طعنه، شکرخنده قند را
(۶۳)

تشبیه تفضیل به گونه حصر در جمله استفهام انکاری:

جز شام زلف و صبح بناگوش ماه من در شام تیره دیده کسی صبحگاه را؟
(۷۴)

جز دهانش هیچکس دیده است یا رب پسته سربسته در شکر گرفته؟
(۲۳۳)

با جابجایی مشبه و مشبه‌به در جمله منفی:

تو از تکلم شیرین شکسته، شور برآری نی است خامه به دست تو نی، که نیشکرستی
(۳۵۳)

یکی به طرف چمن، ز انجمن گذرکن و بنگر که سرو را نبود، پیش قامت تو قیامی
(۳۷۰)

تشبیه مشروط: در این نوع تشبیه، شباهت بین «مشبه» و «مشبه‌به» در گرو شرطی یا قیدی باشد و آن را عموماً با ادات شرط همچون «اگر» همراه می‌سازند.

شکر به کام، جدا از توام شرنگ بود خسک به پهلوی من با تو پرنیان آید
(۱۹۶)

مانی به ماه، ماه اگر بود بی‌کلف مانی به سرو، سرو اگر داشتی روان
(۳۰۹)

تشبیه ملفوف: این نوع تشبیه مبتنی بر لف و نشر است. در تشبیه ملفوف «چند مشبه (حداقل دو تا) جداگانه ذکر شوند و سپس مشبه‌به‌ها هر کدام گفته شود» (شمیسا، ۱۳۸۱: ۴۷). درهم‌آمیختن دو آرایه تشبیه و لف و نشر در این نوع تشبیه، موجب زیبایی و تأثیر بیشتر کلام میشود. در زیر نمونه‌هایی از این نوع تشبیه در شعر شکسته آورده و بررسی میگردد.

گر تو با این خط و رخسار خرامی به چمن چمن‌آرا ندهد آب، گل و ریحان را
(۷۱)

در این بیت رخسار به گل و ریحان به خط تشبیه شده است (لف و نشر مشوش)؛ گویی خط و رخسار بر گل و ریحان برتری دارد. در اشعار شکسته معمولاً تشبیه ملفوف به گونه تفضیل دیده میشود.

روز نوروژ و شب قدر بسی دیدستم همچو زلف و رخ تو شام و سحرگاهی نیست
(۱۳۱)

زلف معشوق حتی از سیاهی شب، سیاهتر و رخ او از سپیده سحرگاهی درخشانتر است.

بستهام چشم از بهار و خزان هجر و وصل توام، خزان و بهار
(۲۰۴)

ثبوت دوزخ و فردوس را دقیقه‌شناسان ز خوی و روی تو بهتر نیافتند دلایل
(۲۳۶)

هر که بیند ابرو و مؤگان تو جان کند قربان آن تیر و کمان
(۲۹۶)

تشبیه مفروق: تشبیهی است که تعدد آن در مشبه و مشبه‌به است که هر مشبه در کنار مشبه‌به خود آید.

تو آتش سوزنده و ما جمله سمندر تو مهر فروزنده و ما یکسره حربا
(۶۲)

کوی تو جنت، رُخت شمایل حور است قد تو طوبی، لبت شراب طهور است
(۹۶)

ز لاله، زمین را کنی کوه مرجان ز سبزه، چمن را کنی کان مینا

تشبیه عکس

شکسته، با وصال او بود زندان مرا گلشن ولیکن بی جمال او بود زندان، گلستانم
(۲۸۱)

بود بستان به چشمم بی تو زندان ولیکن با تو زندان، بوستانم
(۲۸۳)

جدول بسامدی اشکال تشبیه در دیوان شکسته قاجار

نوع	مفروق	ملفوف	جمع	مشروط	مضمّر	تفضیل	عکس
بسامد	۴	۲۱	۱	۱۵	۱۷	۷۱	۲
درصد	۰/۵۴	۲/۸۷	۰/۱۳	۲/۰۵	۲/۳۲	۹/۷۱	۰/۲۷

تشبیه مرکب: این نوع تشبیه ایستا نیست و حکایت از خلاقیت و پیچیدگی‌های ذهنی و تخیلی شاعر دارد و نشان می‌دهد شاعر از مفاهیم ساده و تکراری درمیگذرد و اندیشه‌های خود را بصورت پیچیده‌تری مطرح میکند که نشانگر مهارت شاعر در فنون ادبی است. «تشبیه مرکب به مرکب از فاخرترین انواع تشبیه است که صحنه‌ای را با عناصر گوناگونش به صحنه‌ای مانند میکند» (تجلیل، ۱۳۸۵: ۴۶) و «به قول قدما، هیئت منتزع از چند واژه است» (شمیسا، ۱۳۷۹: ۷۱). در دیوان شکسته ۶۷ تشبیه مرکب دیده میشود که بعنوان نمونه به چهار بیت بسنده میشود:

درخشنده بر کوهساران شقایق بر آنسان که نور حق از طور سینا
(۸۴)

میان پیرهن اندام نازکت گویی زلال چشمه خضر است در بلورین جام
(۲۴۵)

به چشم ترم عکس قدش فتاده چو سرو سهی بر لب جویباران
(۳۹۹)

به زیر زلف سیه خال او به طراری بود معاینه چون دزد در شب تاری
(۳۶۲)

یکی از خصوصیات تشبیهات مرکب شکسته قاجار، مضمّر بودن اکثر آنهاست.

تشبیه تلمیحی: در این تشبیه فهم وجه‌شبه در گرو آشنایی با داستان تلمیحی است و در دیوان شکسته شش نمونه از آن دیده میشود. بعنوان نمونه:

چون بوسه دادیم دوش از آن لبان پرروش دیدم به چشم چون خضر، سرچشمه بقا را
(۵۸)

دل انا الحق میزند از بیخودی منصوروار بر سر کوی توش بر دار میباید زدن
(۳۱۲)

درخشنده بر کوهساران شقایق بر آنسان که نور حق از طور سینا
(۷۵)

تشبیه تمثیل: تشبیهی است که مشبه به آن جنبهٔ مثل و حکایت دارد. در دیوان شکستهٔ نه تشبیه تمثیل دیده میشود، بعنوان نمونه:

هرچه دشوار بود کار به آسان گذرد نوح چون صبر کند، لطمهٔ طوفان گذرد
(۱۹۳)

حدیث صبر و دل، آب است و غربال شکسته، خاک غم بر فرق میبیز
(۲۲۱)

ترکیب تشبیه با صنایع دیگر

یکی از ویژگیهای تشبیهات شکسته قاجار، همراه کردن و آمیختن آن با صنایع ادبی دیگر بویژه صنایع بدیعی است. او با استفاده از این شیوه بر بار بلاغی سخن خود افزوده و زیبایی ادبی آن را دوچندان نموده است. در این راستا شکسته آرایه‌هایی مانند تجاهل‌العارف، ایهام، تضاد، مراعات نظیر، استخدام، کنایه، استعاره، تلمیح، تنسیق‌الصفات و تکرار را با تشبیه درآمیخته است و شبکه‌ای از صنایع بلاغی را به وجود آورده است. در اینجا به نمونه‌هایی از آن اشاره میشود.

تشبیه + تجاهل‌العارف: در این آرایه شاعر گاه برای بیان شگفتی و مبالغه در تشبیه و گاه تحقیر مخاطب، از صفات و چگونگی مطلبی باخبر باشد، اما چند امر را شبیه به هم در نظر آورد و به نداشتن آن تظاهر کند و عمداً خود را به نادانی میزند. تجاهل‌العارف اگر با تفضیل همراه باشد، مبالغه در تشبیه را دوچندان میسازد. «ژرف‌ساخت این صنعت، غالباً نوعی تشبیه مضمراست همراه با غلو» (شمیسا، ۱۳۶۸: ۸۰). بعنوان نمونه:

صبح بناگوش توست یا کف موسی؟ جلوهٔ روی تو یا تجلی طور است؟
(۹۶)

زلف سیاه تست بر آن روی چو ماه یا ماه چارده است عیان در شب سیاه؟
(۳۲۸)

تنت به جامهٔ زرین نهفته، یا سیم است دلت به سینۀ سیمین نهاده، یا سنگ است؟
(۷۹)

همانطور که مشاهده میشود، شکسته قاجار در این نوع تشبیه اضممار، تفضیل و اغراق را درهم آمیخته است. تشبیه + تنسیق‌الصفات: در این آرایه برای موصوف واحد صفات متعدد و متوالی آورده میشود. زیباتر است که این صفات شاعرانه و غنایی با ویژگیهای تشبیهی همراه باشد. بعنوان نمونه:

بنفشه خط و سنبل موی و نرگس چشم و نسرين بر چو من کس کی چنین سروی میان انجمن دارد؟
(۱۶۴)

ای گلرخ نوشین سخن، شیرین لب و شیرین دهن دردت شفا، نیشث عمل، خارت رطب، زهرت شکر
(۱۹۶)

تشبیه + تلمیح، مراعات نظیر، کنایه: گاه شکسته چندین فن بلاغی را با تشبیه همراه ساخته و در واقع عناصر آنها را با یکدیگر گره می‌زند. در بیت ذیل مراعات نظیر (پا، دست/ گل، لاله)، تلمیح (جمشید)، کنایه (پشت پا بر چیزی زدن) در کنار یکدیگر قوام تشبیه را دوچندان ساخته‌اند.

پشت پا از فخر بر اورنگ جمشیدی زخم
گر کشم از دست گلچهری شراب لاله‌گون
(۳۰۹)

تشبیه + استعاره، تلمیح، مراعات نظیر، کنایه: در مثال ذیل نیز استعاره (بت از معشوق)، مراعات نظیر (زهره، ساحر، هاروت، جدا)، تلمیح (هاروت و زهره)، کنایه (ره و رسم چیزی را شکستن) درهم تنیده شده و به تشبیه تفضیل موجود در بیت قوت بخشیده‌اند.

بت زهره‌روی من از چشم ساحر ره و رسم هاروت جادو شکسته
(۳۳۲)

تشبیه + ایهام: در بیت ذیل زلف معشوق در تشبیهی تفضیل به «مشک ختا» تشبیه شده است. در این میان واژه «چین» دارای ایهام است در معنای کشور چین یا خم زلف معشوق.

نکته‌ی از چین زلف غالیه‌سایت
کرده سیه، روزگار مشک ختا را
در نمونه ذیل نیز «کنار» هم به کنار و پیرامون عاشق اشاره دارد و هم به ساحل.

دامنم چون بحر عمان پر شود از اشک خویش
هر زمان کز وی تهی بینم کنار خویش را (۶۳)
شاعر در بیت ذیل با استفاده از تخلص شعری خود، ایهام تضاد ایجاد کرده است.

بر سرو قدت ماه رخت دید، شکسته
پنداشت که بر سرو سهی، ماه تمام است (۸۰)
تشبیه + استخدام: گاه شاعر علاوه بر ارائه تشبیه، در وجه‌شبه نیز ایهامی ایجاد میکند که به آن استخدام گویند. در نمونه ذیل «بیقرار» با توجه به وجود عاشق و از سویی دیگر زلف معشوق، دارای معانی متفاوتی است.

شد شکسته عاقبت مانند زلفت بیقرار
تا چو زلف خویش بشکستی قرار خویش را (۶۳)
تشبیه + تضاد: همانطور که مشاهده میشود در تشبیه دهان معشوق به تنگ شکر، کام تلخ عاشق نیز شیرین میشود و با استفاده از تضاد میان کلمات، زیبایی تشبیه دوچندان شده است.

تلخکامی سرآمد از سخنش

کان دهن، تُنگ شگری است مرا (۶۳)

همچنین در بیت ذیل که تشبیه مفروق با تضاد همراه شده است:

شامم ز تماشای بناگوش تو صبح است

صبحم ز تمنای سر زلف تو شام است (۸۰)

تشبیه + تکرار: در بیت ذیل نیز کلمات «خانه» و «خدا» چندین بار تکرار شده‌اند و اندکی فهم تشبیه را پیچیده ساخته‌اند:

دل خانه خدا و تویی خانه را خدا

در خانه خود آی که این خانه جای توست (۸۲)

تشبیه + استعاره: در بیت ذیل ابتدا «مه» استعاره از معشوق است که در ادامه همین استعاره به «خورشید» تشبیه میشود:

گر شبی آن مه نماید جلوه همچون آفتاب

شکرها گوئیم روز و روزگار خویش را (۶۳)

در بیت ذیل چشم معشوق در تشبیهی به «تُرک» مانند شده و سپس در ادامه در استعاره‌ای به «مست» تشبیه شده است و ترکیبی از صنایع استعاره و تشبیه را رقم زده است:

دلَم را تُرک چشمت میکشد از ابرو و مزگان

به دست مست هرگز کس دهد تیر و کمانی را؟ (۷۳)

تشبیه + جناس تام: در نمونه ذیل شاعر قامت خود را به «چنگ» تشبیه میکند و سپس آن را در معنای «دست» به کار میبرد و بدین ترتیب جناس تام میسازد. لازم به ذکر است «تار» نیز در معنای ساز سنتی و تار مو دارای ایهام تناسب است و از سویی دیگر به تشبیه جان بخشیده است:

پس از آنکه چون چنگ شد قامتم مرا تار زلفش به چنگ آمده

(۳۳۸)

نوآوری در تشبیه

با آنکه شکسته قاجار شاعر دوره بازگشت است و طبعاً میل به تقلید از شعرای مکتب عراقی بویژه حافظ و سعدی دارد، اما تشبیهات کمابیش نوآورانه و بدیع نیز در میان اشعار او اندک نیست. او برای نوآوری در تشبیه معمولاً از تراحم تصویری سود جسته است و تا حدی مخاطب را در فهم تصاویر شعری دچار وقفه و درنگ ادبی ساخته است. شاعر بدین وسیله تصویرات تکراری و کلیشه‌ای شعر فارسی را بویژه در توصیف معشوق تا حدی در لباسی نو ارائه نموده است. برای نمونه در بیت ذیل، صورت، زلف، زیبایی و قطره‌های عرق چهره یار به ماه، عبیر، گل و گلاب تشبیه شده‌اند و این عناصر چنان در پی هم و با سرعت ردیف شده‌اند که تجسم آن در ذهن خواننده مشکل مینماید. این در حالی است که مشبه و مشبه‌بهات تکراری هستند ولی نحوه ارائه آنها متفاوت است:

مو بر عذار چون مه او، یا به مه عبیر خوی بر جمال چون گل او، یا به گل، گلاب

(۷۶)

در بیت ذیل نیز شاعر معشوقش را به مشبه‌به کلیشه‌ای «ماه» تشبیه کرده است؛ اما در تضاد و تناسب با «آفتاب» و «نشستن» به آن زیبایی و طراوت خاصی بخشیده است:

خواست ماهم سحر شراب به دست ماه برخاست و آفتاب نشست
(۱۱۱)

«پا» در بیت ذیل بلندی گیسوی یار را متبادر میسازد که گویی تا پای او رسیده است. از سویی دیگر «سر» نیز مناسبت با زلف دارد. سودا می‌تواند به سیاهی زلف هم اشاره کند و در نهایت «زنجیر» هم زلف حلقه در حلقه را یادآور می‌شود و هم زنجیری که باید عاشق سودازده را در آن گرفتار کند. تشبیه زلف به زنجیر در ادبیات فارسی بارها تکرار شده است، اما شاعر در این بیت آن را به طرزی نو بیان نموده است:

سر سودازده در پای تو رفت چون به زنجیر تو شیون نکنم؟
(۲۸۵)

این بیت یادآور بیتی از حافظ است که:

دل‌م را مشکن و در پا مینداز که دارد در سر زلف تو مسکن

تشبیه در تشبیه

یکی از روش‌های کاربرد تشبیه در دیوان شکسته اینگونه است که گاه یکی از دو طرف تشبیه، خود اضافه تشبیهی است. این روش سبب می‌شود لایه‌های معنایی دو ساختار تشبیهی بیشتر در پیوند و تناسب یکدیگر قرار بگیرند. هر چند شاعر از این شیوه بهره زیادی نبرده است، در خیال‌انگیزی تشبیهاتش تأثیر زیادی داشته است. در بیت زیر مشبه «نهال قد» خود اضافه‌ای تشبیهی است که به «هلال» تشبیه شده است.

ز مهر ماه هلال‌ابروی ستاره جبینی نهال قد شکسته هلال‌وار خمیده
(۳۴۱)

تشبیه نامتعارف

دانشمندان علوم بیانی، تشبیه کردن چیزی را به خود آن ناپسند شمرده‌اند. «باید در تشبیه زمینه‌ای از اغراق که از تخیل کلام ریشه می‌گیرد وجود داشته باشد؛ از این روست که نمیتوان گفت که پلنگ مثل شیر است» (مجد و مهدوی فر، ۱۳۹۰). در تشبیهات شکسته گاه مشبه و مشبه‌به، بگونه‌ای تکرار شده که به نامتعارف بودن تشبیه انجامیده است. مانند این ابیات:

لعل لب نوش تو، لعل بدخش چین سر زلف تو، مشک ختا
(۷۹)

نتیجه‌گیری

شکسته از شاعران سبک بازگشت در دوران قاجار است. وی در تصویرگری مضامین از تشبیه بسیار بهره گرفته است؛ بطوری که اگر تشبیه را از تصویرهای شعری او حذف کنیم، چیز خاصی برای ارائه باقی نمی‌ماند. قالب اصلی دیوان شکسته غزل است و در مجموع ۷۳۱ مورد تشبیه در دیوانش به کار برده است. مانند دیگر شاعران دوره بازگشت شعر شکسته و بالطبع تشبیهات او تحت تأثیر غزلیات حافظ و سعدی است. او با اینکه مرد تاریخ و سیاست بوده، هیچگونه اشاره سیاسی و اجتماعی در اشعارش بجز ستایش فتحعلی‌شاه ندارد. و هرچه سروده از عشق است و بس. در میان مؤلفات و عناصر مشبه‌به، پدیده‌های طبیعی و مصنوعات انسان به ترتیب در صدر قرار دارند. امور

عقلی و وهمی نیز دارای کمترین بسامد است. از سویی دیگر بیشترین مشبه در اشعار شکسته به اندامها و اعضای بدن عاشق و معشوق (چشم، زلف، قامت، دل، مژگان، ابرو، لب) اختصاص دارد؛ چنانکه بخش بزرگی از مشبهات در غزلیات شکسته را نام اعضای بدن تشکیل میدهد و وسیله‌ای برای هنرنمایی و تصویرآفرینی و بیان تجارب شاعر شده است.

در سروده‌های این شاعر اضافه تشبیهی و تشبیه بلیغ، سهم زیادی در غنای تصویر و خیال‌انگیزی داشته و طبع روان وی باعث شده از طیف گسترده تشبیه محسوس به محسوس و مفرد به مفرد بهره برد. وی میکوشد با کاربرد تشبیهات تفضیلی که گاه تشبیه مشروط و مضمّر را نیز در خود جای میدهد، از کهنگی سنن ادبی رایج بکاهد و با آشنایی‌زدایی جنبه تکراری بودن تشبیه را کمرنگ سازد. در تشبیهات مرکب نیز با کشف وجه‌شبه جدید توانسته است بر زیبایی و خلاقیت سخن خویش بیفزاید. شکسته قاجار تمایل زیادی به همراه کردن تشبیه با دیگر صور خیال دارد. تشبیه اگر با آرایه‌های ادبی و بدیعی دیگر همانند استعاره، تناسب و مراعات نظیر، تضاد، اغراق، جناس، و تلمیح همراه باشد، بیگمان زیباتر است و این روش کاربرد تشبیه سبب میشود ذهن خواننده همزمان که در پی تناسب ادعایی در تشبیه است، به زیباییهای حاصل از آرایه‌های دیگر نیز توجه کند و بدین طریق به اوج لذت هنری برسد. شکسته در آرایش تشبیهاتش به استفاده از برخی آرایه‌های خیال‌انگیز، رویکرد و تمایل بیشتری نشان داده است.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در مجتمع علوم انسانی ولی عصر (عج) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب استخراج شده است. سرکار خانم دکتر امیربانو کریمی فیروزکوهی راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. آقای نادر افتخارزاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر عبدالحسین فرزند به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از مسئولان آموزشی و پژوهشی گروه زبان و ادبیات فارسی مجتمع علوم انسانی ولی عصر (عج) دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب که نویسندگان را در انجام و ارتقاء کیفی این پژوهش یاری دادند، اعلام نمایند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیت‌های پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ahmadi, Babak. (2020). Truth and Beauty. Tehran: Nashr-e Markaz, P. 69.
- Alavi Moghadam, MohammadReza and Ashrafzadeh, Reza. (2000). Meanings and Expression. 2nd ed. Tehran: Samt, p. 111.
- Asef, Muhammad Hashim. (2003). Rostam al-Tawarikh. Correction by Mitra Mehrabadi. Tehran: Donyaye Ketab, P. 485.
- Baillie Fraser, James. (1985). James Baillie Fraser's narrative of a Journey. Translated by Manouchehr Amini. Tehran: Toos, p. 215.
- Erfan, Hasan. (2016). Shores. Qom: Hejrat. p. 46.
- Garousi, Abdolhosein Fazel. (1997). Khaghan's association Tazkare. Correction by Tofigh Sobhani. Tehran: Rowzaneh, p. 19.
- Golchin Ma'ani, Ahmad. (1990). Indian caravan. Mashhad: Astan Quds Razavi, p. 344.
- Golchin, Mitra. (2011). "Investigation of different simile structures in the spiritual masnavi", Bahar Adab magazine, (1) 4, pp. 339-352.
- Hakim-Azar, Mohammad. (2013). "Structure of compound simile in the poetry of Manouchehri Damghani and Farrokhi Sistani", *Fonon Adabi Magazine*, (2) 3, pp. 37-54.
- Hassan Lee, Kavous. (2004). Types of Innovation in Contemporary Iranian Poetry. Tehran: Sales, p. 282.
- Khavari shirazi, Mirfazlollah. (2001). Tarikh Zolqarnain. Correction by Naser Afsharfar. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Krucheh, Bandto. (1965). Generalities of Aesthetics. Translated by Fouad Rohani. Tehran: Book Translation and Publishing Company, p. 79.
- Majd, Omid and Mahdavifar, Saeid. (2011). "A new look into comparative simile". *Adab Farsi*. No. 3-5, pp. 259-275.
- Pournamdarian, Taghi. (1988). The secret and secretive stories in Farsi literature. Scientific and Cultural, p. 8.
- Pournamdarian, Taghi. (2011). Travel in May. Tehran: Sokhan, p. 214.
- Qadama ibn Ja'far. (2005). Criticism of poetry. Translated by Abulqasem Seri. Tehran: Porsesh, p. 200.
- Rastegar Fasaie, Mansour. (1983). Imagism in Ferdowsi's Shahnameh. Shiraz: University of Shiraz, p.14.
- Rezaei Jamkarani, Ahmad. (2005). "The role of simile in stylistic variety change". *Pazhuhesh zaban va adabiyat Farsi*, No.5, pp. 85-100.
- Sadeghian, Mohammad Ali. (2000). Ornament of speech. Yazd: Yazd University, p. 110.
- Seri, Abolghasem. (2005). Translation of Qudama ibn Ja'far's poetry criticism. Tehran: Porsesh, p. 200.
- Shafiee Kadkani, MohammadReza. (2007). Imagination in Persian poetry. Tehran: Agah, p. 170.
- Shamisa, Cyrus. (2002). Expression and meanings, 7th edition, Tehran: Ferdous.

- Shamisa, Sirus. (1989). A fresh look at the Badie. Tehran: Ferdows, p. 80.
- Shamisa, Sirus. (2000). Expression. 2nd ed. Tehran: Ferdows, p. 98.
- Tajlil, Jalil. (2006). Meanings and expression. 2nd ed. Tehran: Markaz-e Nashr-e Daneshgahi, p. 46 & 58.
- Talebian, Yahya and Mohammadi Afshar, Houshang. (2005). "Artistic similes in Saadi's sonnets". *Persian language and literature Leaflet*. 22nd ed. pp. 27-52.
- Watson, Robert Grant. (1858). A History of Persia from the Beginning of the Nineteenth Century to the Year with a Review of the Principal Events that Led to the Establishment of the Qajar Dynasty. Translated by GH, Vahid Mazandarani. Tehran: Sepehr, p. 171.

فهرست منابع فارسی

- آصف، محمدهاشم. (۱۳۸۲). رستم‌التواریخ. تصحیح میترا مهرآبادی. تهران: دنیای کتاب، ص ۴۸۵.
- احمدی، بابک. (۱۳۹۹). حقیقت و زیبایی. تهران: نشر مرکز، ص ۶۹.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۷). رمز و داستانهای رمزی در ادب فارسی. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۸.
- پورنامداریان، تقی. (۱۳۹۰). سفر در مه. تهران: سخن، ص ۲۱۴.
- تجلیل، جلیل. (۱۳۸۵). معانی و بیان. ویرایش ۲. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، صص ۴۶ و ۵۸.
- حسن‌لی، کاووس. (۱۳۸۳). گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران. تهران: ثالث، ص ۲۸۲.
- حکیم‌آذر، محمد (۱۳۹۰) «ساختار تشبیه مرکب در شعر منوچهری دامغانی و فرخی سیستانی»، مجله فنون ادبی، (۲) ۳، صص ۳۷-۵۴.
- خاوری شیرازی، میرفضل‌اله. (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین. تصحیح ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ج ۱، صص ۹، ۸۳ و ۲۹۹.
- رستگار فسایی، منصور. (۱۳۶۲). تصویرآفرینی در شاهنامه فردوسی. شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، ص ۱۴.
- رضایی جمکرانی، احمد. (۱۳۸۴). «نقش تشبیه در دگرگونی سبکی». دوفصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی، دوره جدید، شماره ۵، صص ۸۵-۱۰۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۲). نگاهی تازه به بدیع، تهران: فردوس، ص ۸۰.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۹). بیان. ویرایش ۲. تهران: فردوس، ص ۹۸.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۱). بیان و معانی، چاپ هفتم، تهران: فردوس.
- صادقیان، محمدعلی. (۱۳۷۹). طراز سخن. یزد: دانشگاه یزد، ص ۱۱۰.
- طالبیان، یحیی و محمدی افشار، هوشنگ. (۱۳۸۴). «تشبیهات هنری در غزل سعدی». نشریه زبان و ادبیات فارسی، شماره ۲۲، صص ۲۷-۵۲.
- عرفان، حسن. (۱۳۹۵). کرانه‌ها. قم: هجرت، ج ۱، ص ۴۶.
- علوی مقدم، محمدرضا و اشرف‌زاده، رضا. (۱۳۷۹). معانی و بیان. ویرایش ۲. تهران: سمت، ص ۱۱۱.
- فریزر، جیمز بیلی. (۱۳۶۴). سفرنامه فریزر. ترجمه منوچهر امینی. تهران: توس، ص ۲۱۵.
- قدامه‌بن جعفر. (۱۳۸۴). نقد الشعر. ترجمه ابوالقاسم سری. تهران: پرسش، ص ۲۰۰.
- کروچه، بندتو. (۱۳۴۴). کلیات زیباشناختی. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۷۹.

- گروسی، عبدالحسین فاضل. (۱۳۷۶). تذکره انجمن خاقان. تصحیح توفیق سبحانی. تهران: روزنه، ص ۱۹.
گلچین معانی، احمد. (۱۳۶۹). کاروان هند. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ص ۳۴۴.
گلچین، میترا. (۱۳۹۰). «بررسی ساختارهای مختلف تشبیه در مثنوی معنوی»، مجله بهار ادب سابق، (۱) ۴، صص ۳۳۹-۳۵۲.
مجد، امید و مهدوی‌فر، سعید. (۱۳۹۰). «نگاهی تازه به تشبیه». ادب فارسی، دوره جدید، شماره ۳-۵، صص ۲۷۵-۲۵۹.
واتسن، رابرت گرنت. (۱۳۵۴). تاریخ ایران دوره قاجار. ترجمه غ. وحید مازندرانی. تهران: سپهر، ص ۱۷۱.

معرفی نویسندگان

نادر افتخارزاده: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، مجتمع علوم انسانی ولی عصر (عج)، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: n.eftekharzadeh1@gmail.com)

امیربانو کریمی فیروزکوهی: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، مجتمع علوم انسانی ولی عصر (عج)، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(نویسنده مسئول: Email: ab.karimi@azad.ac.ir)

عبدالحسین فرزاد: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(Email: afarzad@azad.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Nader Eftekhazadeh: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Vali Asr (AJ) Humanities Complex, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: n.eftekharzadeh1@gmail.com)

Amirbanu Karimi Firouzkohi: Professor, Department of Persian language and literature, Vali Asr Humanities Complex (AJ), South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: ab.karimi@azad.ac.ir : Responsible author)

Abdul Hossein Farzad: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

(Email: afarzad@azad.ac.ir)